



۱ لاجوردی در آئینه توصیف رهبر

چهره منور انقلاب، پیشرو در جهاد فی سبیل الله...

مرحمت فرمود. خداوند روح مطهر او را با اجداد طاهرینش محشور فرماید.

اینجانب شهادت این برادر ارجمند را به خانواده گرامی و دوستان هم‌رزم و هم‌سنگرش و به همه ملت ایران تبریک و تسلیت عرض می‌کنم.

والسلام علی عبادالله الصالحین

سید علی خامنه‌ای

۱۳۷۷/۶/۲

حقیقی مردم آشکار کردند و چهره منفور خود را تیره‌تر و منفورتر ساختند. این شهید عزیز، در تمام دوران مبارزات اسلامی به اخلاص و روشن بینی شناخته شده بود. در راه خدا بلاهای بزرگ را به جان می‌خرید و در میدان‌های سخت حاضر بود. پس از پیروزی انقلاب در همه مسئولیت‌هایی که در راه خدمتگزاری به مردم و کشور به او تحویل شد، با قدرت و ایثار و به دور از مطامع مادی، ادای وظیفه کرد و هیچگاه خستگی به خود راه نداد. شهادت در راه خدا اجر بزرگی است که خدای شاکر علیم به این انسان مؤمن و بااخلاص

بسم الله الرحمن الرحيم

من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضى نحبه و منهم من ينتظر و ما بدلوا تبديلا

شهادت سید بزرگوار و مجاهد فی سبیل الله، مرحوم آقای حاج سید اسدالله لاجوردی که از چهره‌های منور انقلاب و پیشروان جهاد فی سبیل الله بود؛ بار دیگر ارج و قدر سربازان دیرین اسلام و مبارزان سختکوش راه آزادی را در خاطره‌ها زنده ساخت. منافقان کور دل و خیانت پیشه با این جنایت، عمق کینه خود را نسبت به یاران صادق امام امت و خدمتگزاران

● مهرماه ۷۷. دیدار خانواده و همراهان شهید لاجوردی با رهبر معظم انقلاب.



آنچه در پی می آید، بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با خانواده، همزمان و یاران شهید سید اسدالله لاجوردی است که در روز ۱۴ مهر ۱۳۷۷ انجام گرفت. در این گفتار کوتاه و جامع، پاره ای از خصال مبارزاتی و مدیریتی شهید لاجوردی، مورد اشاره و تحلیل قرار گرفته است.

۲ لاجوردی در آئینه توصیف رهبر

در دوران مبارزه، او را مرد پولادین می نامیدند...

مراحل همراه لاجوردی بودند. من می دانم که اگر همسری کاملاً همفکر و همراه نباشد، آن جور باقی ماندن بر خط درست، کار آسانی نیست. سختی ها را با هم تحمل کردید، رنج ها را با هم بردید، حالا درید شما و بقیه اعضای خانواده، یک رنج اضافی هم می برید؛ یعنی شهید وقتی که شهید شد، مسئله اش تمام می شود، یعنی در هنگام شهادت است که مبارزه اش تمام می شود؛ ولیکن مبارزه وابستگان شهید، ادامه دارد و این مبارزه را باید با همان صداقت و با همان اخلاص پیش ببرند. شهید بعد از شهادت به نشئه دیگر رفت. حالا نوبت شماست که ادامه بدهید، اگر چه قبلاً هم شما در رنج های مبارزه بوده اید. امیدوارم که انشاء الله خداوند به شما کمک کند. امروز هم روز مبارزه است.

این انقلاب، هیچ وقت از مردان و زنان و افراد صادقی که در راه خدا تلاش می کنند، بی نیاز نیست. ان شاء الله این نسل جدید، این نسل جوان که عده ای مرتباً سعی می کنند انقلاب را از نسل جوان بترسانند، پشتوانه های انقلابند. اینها لشکرهای این انقلابند. اینها کسانی هستند که بایستی پایه های انقلاب را مستحکم کنند و این خون های پاک امثال خون شهید لاجوردی به این انقلاب عمق می بخشد و صدق و اصالت این راه را نشان می دهد.

به هر حال حرف تشکر آمیز در باره شهدای عزیز و خانواده هایشان خیلی زیاد است و اگر بخواهیم همه را بگوئیم، بایستی خیلی چیزها را بگوئیم. امیدواریم خداوند ان شاء الله درجات ایشان را عالی کند و با اجداد طاهرینش محشور نماید. یقیناً هم محشور است. من شک ندارم که الان ایشان در بارگاه قدس با بهترین بندگان شایسته خدا و فرشتگان خدا محشور است. مسلماً روحش متنعم است. خوشا به حالش! آقای لاجوردی واقعاً مزد خودش را گرفت و امروز روحش در عالم ملکوت شاکر و سپاسگزار خداوند است که به او چنین توفیقی را داد و چنین موهبت بزرگی را بخشید.

و با استقامت بود. البته دوستان ما در آن زمان خیلی بودند و آدم های صادق، مؤمن و ثابت قدم در این میانه کم نبودند. مرحوم لاجوردی چهره برجسته ای بود. بعد از انقلاب هم همین طور بود. ایشان از اول انقلاب تا همین شهادتشان، همیشه در صراط مستقیم حرکت کرد و ذره ای از طریق مستقیم و خط صحیح انحراف پیدا نکرد. ایشان کار را برای خدا می کرد. اهل تظاهر و اهل نشان دادن نبود. کار را برای خدا قبول می کرد و برای خدا انجام می داد؛ برای همین بود که هیچ ملاحظه ای نمی کرد. بعضی ها در کار ممکن است ملاحظه و وجهه را بکنند؛ ملاحظه شان و آبرو را بکنند. بعضی ها هستند که این ملاحظه ها را نمی کنند و شهید عزیز ما لاجوردی، از این قبیل

سرنوشت افتخار آمیزی که آقای لاجوردی پیدا کردند، سرنوشتی است که مایه حسرت و غبطه همه کسانی است که در این راه بودند. بنده از شهادت آقای لاجوردی خیلی متأثر شدم. از دست دادن و فقدان ایشان خیلی برای ما سنگین بود. در عین حال به نظرم رسید که حیف بود که آقای لاجوردی جور دیگری از دنیا برود. آن آدم، آن عنصر مستحکم و پولادین، آن نیت صادق و آن سابقه مبارزات واقعاً حقیقش بود.

بود. آدمی نبود که ملاحظه و جاهت پیش این و آن را بکند. محض خدمت برای ایشان مطرح بود. حقیقتاً اخلاصی که ایشان داشت، اخلاص خیلی بالایی بود. من باید از خانم محترم ایشان هم تشکر کنم که در همه

حاصل مطلب این است که سرنوشت افتخار آمیزی که آقای لاجوردی پیدا کردند، سرنوشتی است که مایه حسرت و غبطه همه کسانی است که در این راه بودند. بنده از شهادت آقای لاجوردی خیلی متأثر شدم. از دست دادن و فقدان ایشان خیلی برای ما سنگین بود. یک عنصر مؤمن و کار آمد، صادق، ریشه دار در دین و زمینه انقلابی و مبارزات. امثال ایشان، واقعاً عناصر بسیار کمیاب و معتنمی هستند و از دست دادنشان سخت است؛ ولیکن در عین حال به نظرم رسید که حیف بود که آقای لاجوردی جور دیگری از دنیا برود. آن آدم، آن عنصر مستحکم و پولادین، آن نیت صادق و آن سابقه مبارزات واقعاً حقیقش بود.

آقای لاجوردی شایسته این مقام والای عشق بود. شما خانمشان و فرزندان ایشان بدانید و البته می دانید. می دانم شماها برایتان این معارف روشن و واضح است که ماها به حال ایشان غبطه می خوریم. حقیقتاً اگر هر کدام از ماها، بنده خودم و می دانم یقیناً همکاران من همین جورند، بدانند که آنها هم می توانند با عملی، با حرکتی، با هر جور هزینه ای، چنین سرنوشتی را به دست بیاورند، لحظه ای درنگ و تأمل نخواهند کرد که این هزینه را بکنند و آن چنان سرنوشتی برای آنها هم رقم بخورد.

البته زحمات ایشان را هیچ نمی شود توصیف کرد. من خودم از وقتی که آشنایی با مرحوم شهید لاجوردی را به یاد می آورم که خیال می کنم از نزدیک و به صورت مشخص از اواسط دهه چهل بود، ایشان را در حال مبارزه صادقانه به یاد می آورم. من یادم است که آن وقت ها جریانی اتفاق افتاده بود و مرحوم لاجوردی و اینها به جایی حمله کرده بودند. قبل از آن هم ایشان زندان بودند و بعدش هم بعد از مدت کوتاهی دستگیر شدند. در جمع دوستان ما گفته می شد که این مرد، مرد پولادین است. آدم خسته نشوئی است. تصویری که از آقای لاجوردی در ذهن ما بود، تصویر یک انسان خسته نشو، صادق